

## موارد عدم قبول توبه

«توبه» و بازگشت از گناه، مخصوص به گناه یا گناهان خاصی نیست، و شخص و اشخاص معینی را شامل نمی شود، و زمان محدودی ندارد، و سن و سال و عصر و زمان خاصی در آن مطرح نیست.

بنابراین، توبه از تمام گناهان است و نسبت به همه اشخاص و در هر زمان و هر مکان می باشد، همان گونه که اگر شرایط در آن جمع باشد مورد قبول درگاه الهی خواهد بود.

اما باید توجه داشت که توبه فضلی است از ناحیه خدای تعالی مثل سایر نعمت هایی که مخلوق خود را با آن متنعم می سازد، همانطور که هیچ بنده ای در آن نعمت ها طلبکار خدای تعالی نیست، هم چنین کسی توبه را بر خدا واجب و الزامی نکرده، و اینکه می گوییم عقلا بر خدا واجب است که توبه بنده اش را قبول کند، منظور ما از این وجوب چیزی جز آنچه از امثال آیات زیر استفاده می شود، نمی باشد:

"و قابل التوب": قبول کننده توبه

"و توبوا إلى الله جمیعاً أیها المؤمنون": و همگی به سوی خدا توبه کنید ای مؤمنان(نور، ۳۱)

"إن الله يحب التوابین": خداوند کسانی را که زیاد توبه می کنند دوست دارد (بقره، ۲۲۲)

"فَأُولئکَ يَتوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ": اینان همانهایند که خدا توبه شان را می پذیرد(نساء، ۱۷).

و از این قبیل آیاتی که خدا را به صفت توبه پذیری توصیف می کند، و بندگان را به سوی توبه تشویق و به سوی استغفار دعوت می کند، و همچنین آیات دیگری که وعده قبول توبه می دهد، حال یا در صریح کلام و یا در لوازم آن، و خدای تعالی به فرموده خودش و به دلیل عقل خلف وعده نمی کند.

از اینجا روشن می شود که خدای سبحان در قبول توبه بنده مجبور نیست، بلکه او بدون استثنای هیچ چیز و هیچ حالت در همه احوال مالک مطلق همه چیز است، پس او می تواند توبه را قبول کند هم چنان که وعده اش را داده و می تواند نکند.

بنابراین خداوند متعال، از روی فضل و رحمت بیکرانش قبول توبه را تضمین کرده است و در عین حال، در مواردی اعلام کرده است که توبه را قبول نمی فرماید.

به طور کلی، توبه که عبارت است از برگشتن اختیاری از گناه به طاعت و عبودیت، وقتی محقق می شود که در ظرف اختیار صورت بگیرد، یعنی در عالم دنیا که عرصه اختیار است، و اما در عالمی دیگر که عبد هیچ اختیاری از خود ندارد، و نمی تواند به اختیار خود یکی از دو راه سعادت و شقاوت را انتخاب کند، توبه در آنجا راه ندارد.

## ۱- توبه در هنگام مرگ

استثنایی که در قبول توبه وجود دارد و در قرآن مجید به آن اشاره شده این است که اگر انسان زمانی به سراغ توبه رود که در آستانه بربز خ قرار گرفته و مقدمات انتقال او از دنیا فراهم شده است و یا عذاب الهی فرا رسید (مانند توبه فرعون هنگامی که عذاب الهی فرا رسید و در میان امواج نیل در حال غرق شدن بود) پذیرفته نمی شود، و در آن زمان درهای توبه بسته خواهد شد، زیرا اگر کسی در آن حال توبه کند، توبه او اضطراری است نه اختیاری و توأم با میل و رغبت؛ قرآن می گوید:

«و لِيَسْتَ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّىٰ إِذَا حَضَرَ أَحَدُهُمُ الْمَوْتَ قَالَ أَنِّي تَبَّتِ الْآَنَ وَ لَا الَّذِينَ يَمْوتُونَ وَ هُمْ كَفَّارٌ أُولَئِكَ اعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا؛ تَوْبَهُ كَسَانِيَ كَهْ كَارهَاهِيَ بَدِيِ انجامِيَ دَهَنَدِيَ وَ هنگامِيَ كَهْ مرگِيَ يَكِيَ از آنها فرا رسید می گوید: الآن توبه کردم، پذیرفته نیست و نه توبه کسانی که در حال کفر از دنیا می روند (و در عالم بربز خ توبه می کنند) اینها کسانی هستند که عذاب دردناکی برایشان فراهم شده است!» (سوره نساء، آیه ۱۸)

در داستان فرعون می خوانیم: هنگامی که فرعون و لشکریانش وارد مسیر خشکی داخل دریا شدند و ناگهان آبها فرو ریختند و فرعون در حال غرق شدن بود گفت: «أَمْتَ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا ذَيُ امْتَ بِهِ بَنُوا سَرَائِيلَ وَ إِنَّا مِنَ الْمُسْلِمِينَ؛ مِنْ إِيمَانِ آورَدْمَ كَهْ هِيجَ مَعْبُودِي جَزْ آنَ كَسِيَ كَهْ بَنِي اسْرَائِيلَ بِهِ او ایمان آورده اند نیست، وَ مِنْ ازْ مُسْلِمِينَ هَسْتَم!» (سوره یونس، آیه ۹۰).

ولی بلافاصله جواب شنید: «أَلَّا تَنَ وَ قَدْ عَصَيْتَ قَبْلَ وَ كَنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ؛ إِنَّ إِيمَانَ مِنْ آورَى؟! در حالی که قبلًا عصيان کردی و از مفسدان بودی (توبه ات در این حال پذیرفته نیست)!» (سوره یونس، آیه ۹۱).

درباره بعضی از قوام گذشته نیز می خوانیم: «فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللهِ وَحْدَهُ وَ كَفَرْنَا بِمَا كَنَا بِهِ مُشْرِكِينَ؛ هنگامی که عذاب (شدید) ما را دیدند گفتند هم اکنون به خداوند یگانه ایمان آوردیم و به معبدوها که همتای او می شمردیم کافر شدیم!»

قرآن در پاسخ آنها می گوید: «فَلِمَ يَكُ يَنْفَعُهُمْ أَيْمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا سَنَةُ اللهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عَبَادَهُ وَ خَسْرَهَنَالَّكَ الْكَافِرُونَ؛ اما هنگامی که عذاب ما را مشاهده کردند، ایمانشان برای آنها سودی نداشت، این سنت خداوند است که همواره در میان بندگانش اجرا شده و آنجا کافران زیانکار شدند.» (سوره غافر، آیات ۸۴ و ۸۵).

و به همین دلیل، در مورد حدود اسلامی هنگامی که شخص مجرم بعد از دستگیر شدن و گرفتاری در چنگال عدالت و کیفر و مجازات، توبه کند، توبه اش پذیرفته نیست؛ چرا که این گونه توبه ها معمولاً جنبه اضطراری دارد، و هیچ گونه دلالتی بر تغییر موضع مجرم ندارد.

بنابراین توبه در جائی که مسأله از شکل اختیاری بودن بیرون رود و شکل اضطراری و اجباری بخود بگیرد، صحیح نمی باشد.

## ۲- توبه از حقوق مردم

یکی از مواردی که توبه در آنجا صحیح نیست چون هیچ انتخابی در اختیار انسان نیست، گناهان مربوط به حقوق الناس است، درباره حق الله، توبه تصور دارد، چون خدای تعالی خودش وعده داده از گناهان گذشته توبه کاران صرفنظر فرماید، ولی مردم چنین وعده ای به ما نداده اند، و من که حق آنان را ضایع کرده ام از بین بردن آثار سوء این ظلم در اختیار من نیست، هر چه من بگویم توبه کردم، ما دام که صاحب حق از من راضی نشده فائده ندارد، چون خود خدای سبحان هم حقوقی برای مردم جعل کرده، و حقوق مردم را محترم شمرده، و تعدی به یک فرد از بندگانش به اموال و ناموس و آبرو و جانش را ظلم و عدوان خوانده، و حاشا بر خدای عزوجل که به کسی اختیار تمام دهد، تا بدون هیچ جرمی آن حقوق را از بندگانش سلب کند. و در حقیقت خودش کاری بکند که بندگانش را از آن نهی کرده، و از این راه به آنان ستم روا بدارد، همچنان که خودش فرمود: "إن الله لا يظلم الناس شيئاً": خدا حتی به اندازه خردلی به بندگانش ظلم نمی کند(يونس، ۴۴).

پس توبه از گناهانی که به حقوق مردم مربوط می شود در هنگامی قبولی شود که گناهکار حقوق صاحبان حق را ادا کند.

بله این مطلب یک مورد استثنای دارد، و آن توبه از شرک است که نه تنها گناهان مربوط به حقوق الله را محو می کند، بلکه گناهان مربوط به حقوق الناس را هم از بین می برد، و خلاصه اثر تمامی بدیها و گناهان مربوط به فروع دین را از بین می برد، همچنان که رسول خدا (ص) فرمود: "الاسلام يجب ما قبله": اسلام ما قبل خود را محو ناید می سازد. و با همین روایت است که آیات مطلق که دلالت دارد بر آمرزش همه گناهان، نظیر آیه (۵۴) سوره زمر تفسیر می شود اگر در آن آیه بطور مطلق فرموده: "قل يا عبادي الذين أسرفوا على أنفسهم لا تقنطوا من رحمة الله إن الله يغفر الذنوب جميعا إنه هو الغفور الرحيم وأنيبوا إلى ربكم و أسلموا له": بگو ای بندگان من که اسراف به نفس خود نموده اید مایوس از رحمت خداوند نشوید همانا خداوند تمام گناهان رای می آمرزد به درستی که او آمرزنده و مهربان است و برگردید به سوی او و تسليیم او گردید(زمر، ۵۳-۵۴).

روایت بالا آن را تفسیر می کند. به اینکه راه آمرزش همه گناهان اسلام آوردن است.

برخی گمان کرده اند شرك و بت پرستی گناهی است که بخشیده نمی شود زیرا قرآن مجید می فرماید: «ان الله لا يغفر ان يشرك به و يغفر مادون ذلك لمن يشاء؛ خداوند (هرگز) شرك را نمی بخشد و پایین تراز آن را برای هر کس بخواهد و شایسته بداند می بخشد!» (سوره نساء، آیه ۴۸).

ولی این سخن صحیح نیست؛ زیرا در این آیه گفتگو از توبه نیست، بلکه سخن از «عفو بدون توبه» است، به یقین تمام کسانی که در آغاز اسلام از شرك توبه کردند و مسلمان شدند توبه آنها پذیرفته شد، و همچنین تمام مشرکانی که امروز نیز توبه کنند و رو به اسلام آورند به اتفاق همه علمای اسلام توبه آنها پذیرفته می شود، ولی اگر مشرک توبه نکند و با حال شرك از دنیا بروд مشمول غفران و عفو الهی نخواهد شد، در حالی که

اگر با ایمان و توحید از دنیا برونند، ولی مرتكب گناهانی شده باشند، ممکن است مشمول عفو الهی بشوند، و مفهوم آیه فوق همین است.

کوتاه سخن این که، عفو الهی شامل مشرکان نخواهد نشد ولی شامل مؤمنان می شود، اما توبه سبب آمرزش همه گناهان حتی شرك خواهد شد.

### ۳- توبه از منحرف کردن مردم

مورد دیگری که توبه در آنجا صحیح نیست، گناهی است که انسان آن را در بین مردم سنت و باب کند، و مردم را از راه حق منحرف سازد.

در اخبار آمده که وزر و گناه هر کس که به آن عمل کند، و یا به خاطر آن سنت، از راه حق منحرف و گمراه گردد، به گردن کسی است که آن سنت را باب کرده است. علت قبول نشدن توبه او این است که حقیقت توبه و رجوع به سوی خدای تعالی در امثال این موارد تحقق نمی یابد، برای اینکه گنهکار پدیده ای پدید آورده که عمری دراز دارد، قهرا آثار آن نیز با باقی آن باقی خواهد ماند، و دیگر نمی توان آن آثار را از بین برد، و مانند آن مواردی نیست که گناه تنها بین گنهکار و خداوند بوده و به دیگران تجاوز نکرده.

بنابراین اگر معصیت انجام گرفته گمراه نمودن دیگران باشد، در توبه از آن ارشاد و راهنمایی فرد گمراه به سوی حق و بازگرداندن از اعتقاد باطل به اعتقاد صحیح لازم است اگر امکان داشته باشد. و اگر امکان نداشته باشد، از برخی از روایات به دست می آید که تا وقتی افرادی را که به بدعت و گمراهی او گمراه شده اند هدایت نکند، توبه اش پذیرفته نمی شود.

آیت الله سید محمد مجاهد بعد از نقل اقوال علماء در این باره گوید: این سخن - که بایستی افراد گمراه را به حق باز گرداند تا توبه اش پذیرفته شود - نیکوست. زیرا تمامی علماء بر این مطلب اتفاق نظر دارند. به اضافه حدیثی است که در وسائل به آن اشاره شده است: امام صادق(علیه السلام) فرموده است: فردی در پی

دنیا از راه حلال برآمد اما موفق نشد سپس از راه حرام به اینکار اقدام کرد که باز موفق نشد. شیطان به نزد او آمده گفت: آیا می خواهی تو را به کاری راهنمایی کنم که دنیا به تو رو آورد و پیروانت زیاد گردد؟ او گفت: آری. شیطان گفت: دینی اختراع کن و مردم را به آن فراخوان. آن مرد آن کار را کرده و مردم دعوتش را پذیرفته و از او فرمانبرداری نمودند و دنیا به او رو آورد. آنگاه آن مرد تأملی کرد و با خود گفت: این چه کاری است کرده ام، دینی اختراع کرده و مردم را به آن دعوت کرده ام! فکر نمی کنم راهی برای توبه داشته باشم جز آنکه نزد کسانی که آنها را به آن دین دعوت کرده ام رفته و از آن بازشان گردانم. در پی آن پیش یارانش که به پاسخش ندای مثبت داده بودند می رفت و می گفت: دینی که شما را به آن فراخوانده ام باطل است؛ من آن را از پیش خود اختراع کرده بودم. اما آنان می گفتند: دروغ می گویی آن دین به حق است و تو در دین خود دچار شک و تردید شده و از آن بازگشته ای. وقتی او اوضاع را چنین دید، به سوی زنجیری رفته، یک سر آن را با میخ به زمین کوفته و یکسر دیگر آن را به گردنش بست و گفت: آن را باز نمی کنم تا آنکه خداوند عز و جل نظر لطفی به من نماید. در آن هنگام خداوند به پیامبری از انبیاء وحی کرد به فلان شخص بگو: به عزتم سوگند اگر آنقدر مرا بخوانی که اعضای بدن از هم گسسته شود، پاسخت را نخواهم داد تا کسانی را که با دین اختراعیت گمراه کرده و از دنیا رفته اند، به دنیا باز گردانی و آنان از آن دین دست بردارند.

### رفع یک توهمند

با توجه به آیه ۱۷ سوره مبارکه نساء، توهمند است که توبه باید در فاصله کمی بعد از گناه باشد نه فاصله های دور، و نیز باید از گناهانی باشد که از روی جهالت انجام گرفته است نه از روی عناد و لجاجت، به دلیل این که هر دو مطلب در آیه ۱۷ سوره نساء آمده است:

«انما التوبه على الله للذين يعملون السوء بجهاله ثم يتوبون من قريب فاولئك يتوب الله عليهم و كان الله عليما حكيمـا؛ توبه تنها برای کسانی است که کار بدی را از روی جهالت انجام می دهند سپس بزوی توبه می کنند، خداوند توبه چنین اشخاص را می پذیرد و خدا دانا و حکیم است.»

ولی این نکته قابل توجه است که بسیاری از مفسران این آیه را بر توبه کامل حمل کرده اند زیرا مسلم است که اگر افرادی از روی عناد و لجاج مرتكب گناهانی شوند سپس از مرکب لجاجت و غرور پایین آیند و رو به درگاه خدا آورند، توبه آنان پذیرفته می شود، و در تاریخ اسلام نمونه های فراوانی برای این گونه افراد است که نخست در صفات دشمنان لجوج و عنود بودند و سپس باز گشتند و از دوستان مخلص شدند.

همچنین مسلم است که اگر انسان سالیان دراز گناه کند و بعد پشیمان شود و حقیقتاً توبه و جبران کند، توبه او پذیرفته خواهد شد.

در حدیث معروفی از پیامبر خدا(صلی الله علیه وآلہ) می خوانیم که فرمود: هر کس یکسال قبل از مرگش توبه کند خدا توبه او را می پذیرد، سپس فرمود یک سال زیاد است، کسی که یک ماه قبل از مرگش توبه کند خدا توبه او را می پذیرد سپس افزود یک ماه نیز زیاد است، کسی که یک جمعه (یک هفته) قبل از مرگش توبه کند توبه او مورد قبول خداوند واقع می شود، باز افزود یک جمعه زیاد است کسی که یک روز قبل از مرگش توبه کند خداوند توبه اش را پذیرا می شود، باز فرمود یک روز نیز زیاد است! کسی که یک ساعت قبل از مرگش توبه کند خداوند توبه او را می پذیرد، سپس افزود یک ساعت هم زیاد است! کسی که قبل از آن که جانش به گلو رسد (در آخرین لحظه حیات و در حال اختیار) توبه کند، خداوند توبه او را می پذیرد!».

البته منظور این است که توبه با تمام شرایطش انجام گردد؛ مثلا، اگر حقوق افرادی ضایع شده در همان لحظه به افراد مطمئن توصیه کند که حقوق آنها را بپردازنند و سپس توبه کند.